انترناسیونال ۴۴۹

یاشار سهندی

صفحه بازتاب هفته

**ناسیونالیسم خون میطلبد اینبار در ابوموسی**

سفر احمدی نژاد به جزیره "ابو موسی" غیریت ایرانی ناسیونالیسم ایرانی و عربی را بجوش آورد. احمدی نژاد در سخنرانی برای مردمی (که بزور مانند همه جای ایران) به پای سخنرانی ایشان کشیده شده بودند، گفت: "همه اسناد تاريخی بر فارس بودن خليج نيلگون فارس گواهی می دهند"، ایشان اين مسئله را "حقيقتی مانند خورشيد روشن" دانست که "نمی توان آن را زير سوال برد". اینبار اما تنها مسئله نام خلیج موجب غلیان ناسیونالیسم ایرانی و عربی نشده بلکه نفس سفر ایشان به این جزیره موجب آشوب شده چرا که چهل سالی است که بر سر مالکیت این جزیره بین ایران و امارات دعوا است.

دولت امارات بلافاصله سفیرش را از تهران فرا خواند. در ادامه وزیر امور خارجه این کشوربا تاکید بر اشغالگر بودن ایران، هشدار داد که "عواقب خطرناکی در انتظار" ایران است. شورای همکاری خلیج نیز هشدار دادند که "هر گونه خشونت نسبت به امارات، همانند اعمال خشونت به همه اعضای شورای همکاری خلیج است." محسن رضایی این حرکات را برنتابید و به کوری چشم دولت امارات به دیدن بازی فوتبال بین تیم پرسپولیس و تیم الغرافه قطر در چهار چوب جام باشگاههای آسیا رفت تا جواب دندان شکنی به امارات داده باشد. بازی که به مساوی کشیده شد! سخنگوی دولت احمدی نژاد و ولایتی و فرمانده ارتش همگی با تاکید به اینکه ابوموسی متعلق به ایران است گفتند اجازه جسارت به هیچ کشوری را به خاک ایران نمی دهند و در مورد حاکمیت بر این جزیره و دو جزیره دیگر (تنب بزرگ و کوچک) هیچ گفتگویی نخواهند کرد. یکی از نمایندگان مجلس گفت "اگر فوت کنیم دیگر از امارات اثری نخواهد ماند." از استاد دانشگاه عضو جبهه ملی گرفته تا فلان آقای محترم که در زمان انعقاد "تفاهم نامه" در سال ۱۹۷۱ در گفتگوهای فی مابین ایران و انگلیس و شارجه حضور داشته، تا فلان مفسر بی بی سی و فلان نویسنده سایتهای مثلا اپوزیسیون یکصدا تاکید کردند که این جزایر سند ششدانگش از ۲۵۰۰ سال پیش به نام ایران است و احمدی نژاد اجازه دارد در این مورد از خود "نام نیک" بر جای گذارد! به این هم اکتفا نکردند و گفتند باید تمام قد از احمدی نژاد دفاع کرد و چرا که "مسئله دقيقا اينجاست که اگر ايرانی در کار نباشد نباشد، دولتی هم در کار نيست که بر روی شکل، ماهيت يا کارکرد آن نزاعی وجود داشته باشد" اما یکی دیگر هشدار داد تا کجا قرار است از احمدی نژاد دفاع کرد و تاکید کرد "باید برای حفظ میهن سرنگونی اسلام حکومتی را تسریع نمایند" و ادامه داد: "اگر میهن خدیوران فرزانه میداشت وانقلاب ارتجاعی واسلامی به وقوع نمی پیوست ... امکان برگشت همه سرزمین های جدا شده (منظور گرجستان و ترکمنستان) ....امکان پذیر می شد". البته لازم به ذکر است که سال گذشته در برخی از سایتها یک گوشه هایی آمدند که زمان قرارداد ترکمانچای و گلستان به سر رسیده آیا کسی نمی خواهد کاری کند! دو سالی است که کسی تو گوش احمدی نژاد خوانده که اسلامیت کافی نیست باید ایرانیت را هم چسبید. بر گردن کوروش چفیه انداخت بعد ایشان همه انبیا را دارای "ریشه ایرانی" خواند و این اواخر شاهنامه فردوسی را توحید نامه دانست. اینها هیچکدام نگرفت اما نفس سفر به جزیره ابوموسی احساسات همه را غلیان در آورده است که "آی مملکت از دست رفت" چه از ناحیه ناسیونالیسم عربی چه ناحیه نوع ایرانی آن. ناسیونالیسم و مذهب دو روی یک سکه هستند که انسان را انسانیت آن تهی میخواهند تا بتوانند هر ایدئولوژی از این دست را که پشت آن فقط خون و استثمار خوابیده است بر جامعه انسانی حاکم کنند. در متن بحران کنونی جهان سرمایه داری و به ته خط رسیدن حکومت اسلامی در ایران ناسیونالیسم دوباره در دستور کار استثمار گران قرار گرفته است. برای "حفظ تمامیت ارضی" هر دو طرف حاضرند خون بسیاری ریخته شود هیچکس اما در این میان به خود اجازه نمیدهد که یک کلام هم از مردم جزیره پرسیده شود که شما در مورد زندگی خود چه تصمیمی دارید؟ "تصمیم سازان" برای همین هستند که تصمیم بگیرند و به تمشیت امور بپردازند در این میان یک مشت مردم پاپتی چه نقشی میتوانند داشته باشند جز اینکه گوشت دم توپ جنگ بعدی باشند. چرا که دعوا بر سر "خاک" است و اگر لازم شده همان خاک را با خون همان مردم رنگین خواهند کرد تا چندی دیگر بساط استثمارشان برپا بماند. همانگونه که سالها پیش، رفسنجانی به امارات هشدار داد برای رسیدن به جزایر، امارات باید از دریای خون بگذرد..